

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۸/۱۶

کینه عجیب معاویه، نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با اقوال صحابه در مورد تقيه بود؛ بحثی را از «حذیفه» نقل کردیم و به عبارتهایی از «ابن عباس» رسیدیم. عرض کردیم که «ابن عباس» بذاته مورد تأیید شیعه هست و شیعه مشکلی با «ابن عباس» ندارد و از هر جهت مورد تأیید است.

معمولاً در مورد «ابن عباس» سؤالات فراوانی مطرح می‌شود. روایاتی در مذمت «عبدالله بن عباس» آمده است که معمولاً نشأت گرفته از کینه بنی امیه نسبت به «ابن عباس» است. چرا که ایشان مدافع امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

این کینه به قدری بوده است که حتی معاویه در قنوت نماز خود امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) و نیز «ابن عباس» را لعن می‌کرد!! در این زمینه روایات متعددی هم وارد شده است.

در کتاب «المفید بالمعجم رجال الحدیث» اثر آقای «جواهری» که خلاصه ۲۲ جلد «معجم رجال الحدیث» در یک جلد می‌باشد و ایشان مطالب اضافی را حذف کرده و تنها مطالبی که مربوط به وثاقت یا ضعف راوی است را در یک جلد خلاصه کرده است. او می‌گوید:

«عبدالله بن عباس من اصحاب رسول الله و على و الحسن و الحسين روى فى تفسير القمى عن رسول الله جليل القدر مدافع عن أميرالمؤمنين و الحسنين و الرواية الدالة على مدحه مستفيضة رواية دامة انما وضعت لانه موالى لأميرالمؤمنين حتى أن معاوية لعنه الله كان يلعنه بعد الصلاة مع لعنه عليا و الحسنين و قيس و الأشر»

در این زمینه مطالب متعددی وارد شده است، اما در مورد اینکه معاویه، حسنین (علیهم السلام) و «ابن عباس» را لعن می‌کرده است موارد متعددی از کتب اهل سنت داریم که او در قنوت نمازش، آن بزرگواران را لعن می‌کرد.

در «صحيح مسلم» وارد شده است که معاویه به صراحت به «سعد بن أبى وقاص» می‌گوید: "چرا على را لعن نمی‌کنی؟!":

«ما مَنَعَكَ ان تَسُبَّ أَبَا التُّرَابِ...»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج ٤، ص ١٨٧١ ح ٢٤٠٤

در حقیقت دارد او را مؤاخذه می‌کند که چه چیزی مانع لعن تو نسبت به علی شده است؟ همچنین در کتاب «معجم البلدان» اثر «حموی» جلد سوم، تعبیر تندی در این زمینه دارد و می‌گوید:

«لُعِنَ عَلَى بن أبى طالب رضى الله عنه على منابر الشرق والغرب ولم يعلن على منبرها إلا مرة»

سپس می‌گوید:

«وهو يُلعن على منابر الحرمين مكة والمدينة»

حتی در مکه و مدینه هم امیرالمؤمنین مورد لعن قرار می‌گرفت.

معجم البلدان، اسم المؤلف: ياقوت بن عبد الله الحموي أبو عبد الله، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج ٣،

ص ١٩١، باب السنين والجيم وما يليهما

طبق فرموده مقام معظم رهبری در روز عید غدیر خم، سرمنشأ تمامی این کارهای معاویه، عداوت‌ها و کینه‌هایی بود که او نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داشت، زیرا آن حضرت اقوام معاویه از جمله عمو و دایی او را در جنگ‌ها کشته بودند.

به طور کلی شما کمتر خانواده‌ای از معاویه پیدا می‌کنید که به شمشیر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به درک واصل نشده باشد. این مقدار بغض و عداوتی که معاویه از امیرالمؤمنین دارد، شاید از کسی دیگر نداشته باشد.

سؤال: برخی ها می‌گویند که در ابتدا حضرت امیر، معاویه را لعن کردند و سپس معاویه در جواب، امیرالمؤمنین را لعن کرد!

پاسخ: نه؛ اصلاً چنین چیزی نبوده است. امیرالمؤمنین هیچگاه معاویه را لعن نکردند. بر فرض اگر هم این کار را انجام داده باشند؛ پیغمبر در حق امیرالمؤمنین فرمودند:

« عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ »

و یا فرمودند:

«علي مع القرآن والقرآن مع علي لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٣٤، ح ٤٦٢٨

«حاکم نیشابوری» هم در ذیل روایت می‌گوید که: «هذا حديث صحيح الإسناد»

مضافاً بر اینکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر؛ ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۲۶۷۹۱

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا؛ ج ۳، ص

۱۳۰، ح ۴۶۱۵

از طرف دیگر اگر کسی معاویه را لعن کرد بلامانع است! زیرا پیغمبر اکرم او را لعن کرده است. در منابع متعدد اهل سنت وارد شده است که رسول گرامی اسلام معاویه را لعن می کرده است. لذا بر فرض هم اگر امیرالمؤمنین معاویه را لعن کرده است، هیچ محذوری وجود ندارد.

سؤال: ما در منابع خودمان و زیارات امامان معصوم، لعن و نفرین را داریم. مثلاً «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ...» و از

این دست عبارات؛ آیا این قضیه علاوه بر ایجاد تفرقه و اختلاف، موجب ترویج سنت لعن کردن نمی شود؟!

پاسخ: دوستان توجه داشته باشند که سنی هم به «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» معتقد

است، وهابی هم به «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» معتقد است؛ بحث ایجاد اختلاف نیست؛

بلکه مشکل اساسی، مصداق معین کردن است!

ما می گوییم: مصداق معین نکنید! همانطوری که امام باقر (علیه السلام) در زیارت عاشورا مصداق معین نکرده

است. اینکه دشمنان آل محمد باید لعن شوند، تمام گویندگان «لا إله إلا الله» و «محمد رسول الله» بر این حرف

قائل هستند.

البته در مورد شخص «معاویه بن ابوسفیان» قضیه فرق می کند، زیرا از معاویه نام برده شده است و لعن در مورد او به خصوص وارد شده است:

«اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ»

فرازهایی از زیارت عاشورا

بحث معاویه اصلاً جداست؛ شما ببینید که در کتاب «الکامل فی التاریخ» که از معتبرترین کتب اهل سنت است؛ ایشان در همان ابتدای کتاب می نویسد :

«أَنِّي لَمْ أَنْقُلْ إِلَّا مِنَ التَّوَارِيخِ الْمَذْكُورَةِ وَالْكَتُبِ الْمَشْهُورَةِ مِمَّنْ يَعْلَمُ بِصِدْقِهِمْ فِيمَا نَقَلُوهُ وَصَحَّ مَا دَوَّوهُ»

الکامل فی التاریخ، المؤلف: أبو الحسن علی بن أبی الکرّم، عز الدین ابن الأثیر (المتوفى: ۶۳۰ هـ)،

تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، الناشر: دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ /

۱۹۹۷ م، ج ۱، ص ۷

ایشان در همین کتاب نسبت به امیرالمؤمنین که در قنوت خود معاویه را لعن می کرد، نقل می کند که:

«فَبَلَّغَ ذَلِكَ مُعَاوِيَةَ فَكَانَ إِذَا قَنَتَ سَبَّ عَلِيًّا وَابْنَ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَشْتَرَّ»

الکامل فی التاریخ، المؤلف: أبو الحسن علی بن أبی الکرّم، عز الدین ابن الأثیر (المتوفى: ۶۳۰ هـ)،

تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، الناشر: دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ /

۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۶۸۴، باب ذکر تتمه أمر صفین

این عبارت نه تنها در اینجا، بلکه در کتب متعدد دیگر هم وارد شده است. در کتاب «المصنف» اثر «ابن ابی

شبیبه» که استاد «بخاری» است همین تعبیر وارد شده است.

فرمایشات تند نبی مکرم (صلی الله علیه و آله)، نسبت به معاویه!

به اضافه اینکه بحث لعن معاویه یا بحث کفر معاویه، بسیار واضح و روشن است. شما مشاهده کنید در کتاب «تاریخ طبری» نقل می‌کند:

«وقد رأه مقبلا علی حمار ومعاویة یقود به ویزید ابنه یسوق به»

ابوسفیان سوار بر الاغی بود و معاویه هم افسار آن را گرفته بود و یزید پسر ابوسفیان هم پشت سر او می‌رفتند.

بعضی از دوستان در مورد «یزید» اشتباه می‌کنند؛ ما دو «یزید» و دو «معاویه» داریم! یک یزید پسر ابوسفیان است که در زمان ابوبکر و زمانی که شام فتح شد، از طرف ابوبکر والی و حاکم شامات شد. در سال ۱۷ هجری که مرض طاعون آمد، بسیاری از مردم شام به این مرض مبتلا شدند و کشته شدند؛ از جمله همین یزید برادر معاویه و پسر ابوسفیان بود، که در زمان خلیفه دوم سال ۱۷ یا ۱۸ هجری به مرض طاعون مُرد. خلیفه دوم بعد از او، «معاویه» را به جای برادرش یزید، حاکم شام کرد!

و یزید دوم، همان یزید پسر معاویه هست که علیهما لعنت الله؛ غالب اوقات در بعضی از مقاله‌هایی که عزیزان می‌نویسند، نسبت به این موضوع دقت کافی نمی‌شود.

از آن طرف، معاویه هم دو نفر هستند؛ یکی معاویه پسر ابوسفیان است و دیگری پسر یزید است. همان شخصی که بر پدرش یزید و جدش معاویه لعنت کرد!!

«طبری» بعد از نقل این مطلب که ابوسفیان سوار بر الاغی بود و معاویه هم افسار آن را گرفته بود و یزید پسر ابوسفیان هم پشت سر او می‌رفتند؛ از قول نبی مکرم نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«لعن الله القائد والراکب والسائق»

خدا فردی که روی الاغ است، فردی که جلوی الاغ است و فردی که پشت سر الاغ است را لعنت کند.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج ۵، ص ۶۲۲، باب ذکر الخبر عما کان فیها من الأحداث الجلیلة

همچنین در «المختصر فی أخبار البشر» اثر «ابوالفداء» که از کتب معتبر اهل سنت است؛ همین روایت را آورده

و می نویسد:

«أبا سفیان مقبلاً ومعاویة یقوده، ویزید أخو معاویة یسوق به، فقال: " لعن الله القائد والراکب والسائق "»

المختصر فی أخبار البشر، المؤلف: أبو الفداء عماد الدین إسماعیل بن علی (المتوفی: ۷۳۲ هـ)، الناشر:

المطبعة الحسینیة المصریة، الطبعة: الأولى، ج ۲، ص ۵۷، باب خلافة أبی العباس

این مطلب خیلی واضح و روشن است! و جالب است که در کتاب «السنة» که از کتب معتبر و تراز اول اهل

سنت است، و تالی تلو صحاح سته هم هست؛ اثر «ابن خلال» که متوفای ۳۱۱ هجری و معاصر «نسائی»،

«ترمذی»، «ابو داوود» بوده است؛ او در جلد سوم مطلب جالبی را نقل می کند:

« سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَبِيدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدِ الْمُنَادِي، يَقُولُ: كُنَّا بِمَكَّةَ فِي سَنَةِ تِسْعٍ، وَكَانَ مَعَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ

مُوسَى، فَحَدَّثَ فِي الطَّرِيقِ قَمَرًا حَدِيثًا لِمُعَاوِيَةَ، فَلَعَنَ مُعَاوِيَةَ، وَلَعَنَ مَنْ لَا يَلْعَنُهُ»

السنة، المؤلف: أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الحلال البغدادي الحنبلي (المتوفى: ۳۱۱ هـ)،

المحقق: د. عطية الزهراني، الناشر: دار الراية - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰ هـ - ۱۹۸۹ م، ج ۳، ص

۵۰۳، ح ۸۰۸

همچنین داریم در منابع اهل سنت که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید:

«إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ يَخْطُبُ عَلَى الْمِنْبَرِ فَاضْرِبُوا عُقَّةَهُ»

اگر دیدید معاویه بر بالای منبر من نشسته و خطبه می‌خواند، گردن او را بزیند.

أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البَلَدْرِي (المتوفى: ۲۷۹ هـ)، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۱۳۰، ح

۳۷۸

این روایت با سند صحیح نقل شده است و تمام راویان آن هم بدون استثناء ثقه هستند. جالب است که در همین کتاب «أنساب الأشراف» جلد ۵، با سند صحیح از «حسن بصری» متوفای ۱۱۰ هجری نقل می‌کند که پیغمبر اکرم فرمود:

«إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَىٰ مَنبَرِي فَأَقْتُلُوهُ، فَتَرَكُوا أَمْرَهُ فَلَمْ يَفْلِحُوا وَلَمْ يَنْجِحُوا»

وقتی معاویه را دیدید که بر روی منبر من هست، او را بکشید. ولی مسلمانان دستور پیغمبر اکرم را ترک کردند، به همین جهت نه رستگار می‌شوند و نه نجات پیدا می‌کنند.

أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البَلَدْرِي (المتوفى: ۲۷۹ هـ)، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۱۲۸، ح

۳۶۹

قضیه معاویه قضیه آشکاری است و پنهان نیست! و روایات فراوانی در این مورد ذکر شده است. همچنین در همین کتاب، باز با سند کاملاً صحیح آورده است که:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مُعَاوِيَةُ فِي تَأْبُوتٍ مُّقْفَلٍ عَلَيْهِ فِي جَهَنَّمَ»

أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البَلَدْرِي (المتوفى: ٢٧٩ هـ)، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، ج ٥، ص ١٢٨، ح

٣٧٠

لذا اگر امیرالمؤمنین، معاویه را لعن می‌کند، طبق سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) عمل کرده است.

همچنین در کتاب «تاریخ طبری» جلد پنجم نقل شده است که روزی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نشسته بودند و فرمودند:

«يطلع من هذا الفج رجل من أمتي يحشر على غير ملتي»

الآن از این در کسی وارد می‌شود که بر غیر از ملت من می‌میرد!

راوی می‌گوید: من احتیاج شدیدی به مستراح داشتم، اما خودم را نگهداشتم تا ببینم این کسی که از اهل جهنم است چه کسی است. پدرم رفت، اما من نشستم و منتظر بودم ببینم اولین کسی که وارد می‌شود، چه کسی است.

«فطلع معاوية»

معاویه وارد شد.

رسول گرامی اسلام فرمودند: شخصی که گفتم بر غیر از ملت من می‌میرد همین شخص است.

تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)، المؤلف: محمد بن جریر الطبری أبو جعفر، الناشر: دار الکتب

العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٧، ج ٥، ص ٦٢٢

همچنین در روایات متعدد دیگری بیان شده است که «عبدالله بن عمر» می گوید:

«إن معاوية في الدرک الأسفل من النار فوق فرعون»

معاویه در پایین ترین جای جهنم است و یک درجه بالاتر از فرعون است.

وقعة صفین، اسم المؤلف: نصر بن مزاحم بن سيار المنقري (المتوفى: ۲۱۲هـ)؛ ج ۱، ص ۲۱۹

سپس می گوید: علت آن که یک درجه بالاتر از فرعون است، این است که فرعون خود را خدا خواند، اما معاویه این را نگفت. اگر چنانچه فرعون خود را خدا نمی خواند، معاویه یا هم سطح فرعون بود و یا پایین تر از فرعون بود!

این روایات تماماً از کتب اهل سنت است و ما راویان این روایات را هم یکی یکی بررسی کردیم. از دیدگاه اهل سنت تمام راویان این روایات ثقة هستند.

یا همان صلی که معاویه با امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) داشت! که امشب هم، شب شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام) است و روایت صحیح هم همین هفتم صفر است. حاج آقای سبحانی و دیگر مراجع رسماً اعلام کردند که آنچه صحیح و اصح است، همین هفتم صفر است.

صدا و سیما هم، امسال هفتم صفر را مقداری پرنرنگ تر جلوه می دهند. زیرا در ۲۸ صفر هم شهادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و هم شهادت امام مجتبی (علیه السلام) و معمولاً امام حسن مجتبی (علیه السلام) در حاشیه قرار گرفته می شود.

نمونه ای از شبهات رایج وهابیت در مورد امام حسن مجتبی (علیه السلام)

لذا مطلبی که باید به صورت جدی مورد بحث قرار گیرد، همین قضیه صلح امام حسن است. این بحث یکی از بحث های ضروری است که ما باید این بحث را داشته باشیم که چرا امام حسن (علیه السلام) صلح کردند.

لذا یکی از شبهاتی که امروزه وهابیت در فضای مجازی به طور مفصل مطرح می‌کنند این است که می‌گویند اگر امامت یک مسئله الهی بود، چگونه امام حسن (علیه السلام) امامت را به معاویه واگذار کرد؟!

اگر امام حسن (علیه السلام) خلیفه منصوب از طرف پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، چرا از این حقی که پیغمبر اکرم برای او معین کرده بود، تنزل کرد؟!

در کتاب «صحیح بخاری» چندین روایت وجود دارد که از پیغمبر اکرم در رابطه با امام حسن (علیه السلام) نقل می‌کنند که حضرت فرمودند:

« **إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ وَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُضَلِّحَ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ** »

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۲، ص

۹۶۲، بَاب قَوْلِ النَّبِيِّ لِحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا

زمانی که ما می‌گوییم: پیغمبر اکرم علم غیب دارد، آن‌ها می‌گویند: "شما کافر و مرتد شدید زیرا علم غیب مخصوص خداوند است!!" ولی زمانی که به نفع خودشان باشد، نقل می‌کنند که پیغمبر فرمود: «**ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ**

وَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُضَلِّحَ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ»

و می‌گویند که این مسئله از معجزات و کرامات پیغمبر اکرم است! این مورد هم یکی از پارادوکس‌هایی است که آقایان گرفتار این مسئله شده‌اند.

لذا این افراد روی این قضیه صلح امام حسن، زیاد کار می‌کنند و زیاد مانور می‌دهند. امشب بنده ساعت ۸ تا ۹:۳۰ برنامه دارم، دوستان می‌توانند از طریق همین اینترنت «شبکه جهانی ولایت» را ببینند یا از طریق موبایل وارد سایت «بازار» شوند و نرم افزار «همراه ولایت» را دانلود کنند و برنامه‌ها را مشاهده کنند.

اگر موبایل شما اینترنت همراه داشته باشد، می‌توانید ساعت ۸ تا ۹:۳۰ بحثی امشب ما را که پیرامون شهادت امام مجتبی به دستور معاویه هست را، مشاهده کنند. ما ثابت خواهیم کرد که قاتل امام حسن (علیه السلام) و قاتل یکی از سروران اهل بهشت معاویه است.

در رذالت و پستی معاویه همین بس که عامل قتل امام حسن مجتبی (علیه السلام) بود و همین یک مورد برای پستی او کفایت می‌کند.

این آقایان از این طرف، این روایت بخاری را که عرض کردیم می‌آورند تا ثابت کنند که سپاه معاویه مسلمان و مؤمن بودند! ولی از طرف دیگر روایت «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» که نقل کرده اند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«عَمَّا يُدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ وَيُدْعُوهُ إِلَى النَّارِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۳، ص ۱۰۳۵، ح ۲۶۵۷

را فراموش می‌کنند. فراموش می‌کنند که سپاس معاویه، «عمار» را به طرف آتش دعوت می‌کنند و اینها دعوتگر به طرف آتش هستند! دعوت به آتشی که خداوند عالم در قرآن کریم نسبت به فرعون می‌فرماید:

(يُدْعُونَ إِلَى النَّارِ)

مشرکین شما را به سوی آتش دعوت می‌کنند

سوره بقره (۲): آیه ۲۲۱

این روایات، همه فراموش می‌شود، اما در اینجا «فَتْنَيْنِ عَظِيمَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» را با آب و تاب نقل می‌کنند!!

در کتاب «بحار الانوار» هم وارد شده است:

«وَصَالِحُ الْحَسَنِ مُعَاوِيَةَ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر، ج ۳۳، ص ۵۳۹، باب ۳۰

اصلاً بحث بیعت در اینجا مطرح نیست. در اینجا بحث صلح مطرح است، امام حسن مجتبی (علیه السلام) مضطر ماند و یاران آن بزرگوار همه خودشان را فروختند و حضرت تنها ماند!

همین «عبیدالله بن عباس» برادر عبدالله بن عباس معروف، از معاویه پانصد هزار درهم نقداً دریافت کرد. معاویه به او گفت: اگر از امام حسن دست بکشی و با سپاه خود به من بپیوندی، پانصد هزار درهم دیگر هم به تو می‌دهم!!

مشاهده کنید همین «عبیدالله بن عباس» دو فرزندش به دستور معاویه جلوی چشم همسرش تکه تکه شدند و زمانی که همسرش این منظره را دید دیوانه شد و جنون بر او عارض شد. «بسر بن ارطاة» به دستور معاویه دو پسر خردسال «عبیدالله بن عباس» را به طرز فجیع کشت؛ اما با تمام این حال غیرت و وجدانش را به خاطر هزار دینار یا یک میلیون دینار زیر پا گذاشت و خود را فروخت و سپاهش را هم با خودش برد!!

افراد دیگر هم به همین شکل بودند؛ جز تعداد اندکی از سپاه امام حسن (علیه السلام) به آن بزرگوار وفادار نماندند. به طوری که وقتی امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: "اگر آماده قتال نیستید، من به خاطر حفظ خون مسلمانان با معاویه صلح می‌کنم؛" تعدادی از افراد به امام حسن مجتبی (علیه السلام) حمله کردند، خیمه آن بزرگوار را غارت کردند و حتی سجاده را از زیر پای آن بزرگوار کشیدند و بردند!

یکی از یاران امام حسن مجتبی (علیه السلام) با شمشیری آن چنان بر ران مبارک امام حسن مجتبی زد؛ به طوری که استخوان پای آن بزرگوار مجروح شد. امام حسن (علیه السلام) در مدائن به منزل عموی «مختار» رفت و برای مداوا بستری شد.

بزرگان ما با سند معتبر نقل کرده اند که قبایلی از مداین به معاویه نامه نوشتند مبنی بر اینکه ما حاضریم امام حسن را به تو تحویل دهیم و از تو جایزه بگیریم!! همچنین گفتند: پول به ما بده تا امام حسن را ترور کنیم!! بنا به نقلی همین «مختار» نزد عمویش آمد و گفت: عمو من یک گنجی سراغ دارم، بیا با هم این گنج را دریاوریم. عمویش گفت: گنج چیست؟! «مختار» گفت: امام حسن است؛ اگر او را دست بسته به معاویه تحویل دهیم، ثروت کلانی به ما می‌دهد!!

عمویش به تندگی با «مختار» برخورد کرد و گفت: ما فرزند پیغمبر اکرم را به فرزند ابوسفیان بدهیم و پول دنیا بگیریم؟!

لذا بنده زمانی که به مسجد کوفه می‌روم؛ کنار قبر «مسلم بن عقیل» می‌رویم، کنار قبر چند تن از صحابه می‌رویم، اما کنار قبر «مختار» نمی‌روم!

البته عمل «مختار» مورد تأیید بوده است، و نتیجه کار او هم مورد رضایت اهل بیت بوده است؛ اما سؤال این است که مختار این کار را به چه نیتی انجام داده است و آیا مأذون بوده است که چنین کاری کند و واقعاً قصد او قربة الی الله بود؛ نه تنها ثابت نشده بلکه خلاف آن هم ثابت شده است!!

کسی به اندازه مرحوم «مامقانی» از «مختار» دفاع نکرده است. او در «تنقیح المقال» به طور مفصل از «مختار» دفاع کرده است. ما هم می‌گوئیم که عمل مختار خوب بوده است و ما او را مذمت و لعن و توهین هم

نمی‌کنیم؛ اما اینکه بالای قبر او برویم و بخواهیم از او همانند «مسلم بن عقیل» یا دیگر صحابه و یاران تجلیل بکنیم و فاتحه بخوانیم، معنی ندارد! ما می‌گوییم: آنچه از ثواب مستحق است، خداوند عالم به او کرم کند.

لذا ما می‌گوییم: عمل این شخص صددرصد مورد رضایت اهلیت (علیهم السلام) است؛ اما نیت او را از این کار نمی‌دانیم و در آن شک داریم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته